

و کارشناسان فن تشکیل گردد و شخصاً بگواهی تاریخ در همه جلسات کمیسیون حضور بهم میرسانید و با دقت گفتگوهای کارمندان کمیسیون را می شنود و با وجودیکه اطلاعات فنی نداشت اظهار عقیده در هر موضوع میکرد باعث شگفتی حاضرین میگردد (کتاب Didot دیدو جلد دوم صفحه ۱۴۱)

این کمیسیون که از کیفر شناسان در جفا اول فرانسه (وییلار vieillard - اودار - Oudard - بلندل Blondel - تریار Treilhard) تشکیل شده بود طرح قانونی مشتمل بر ۱۱۶۹ ماده تحت عنوان (طرح قانون کیفری کمیسیونی که از طرف دولت انتخاب شده است) تدوین کرد و ناپلئون فرمان داد که آنرا بداد گامهای شهرستان و استان و دیوان کشور بفرستند تا دادرسان ایراداتی که بنظرشان میرسد تشریح کرده بعرض برسانند و بلادرنگ فرمان شاهانه اجرا کردند

در مقاله آینده ابداعاتی که قانون کیفر همگانی ۱۸۱۰ در خصوص گناه جعل فائیل شده بیان کرده بتعریف آن می پردازیم. دکتر احمد هومن

از آنچه گذشت معلوم شد که انقلابیون کیفر ثابتی که کمینه و بیشینه ندارد برای جاعلین قائل شده بوده و در عین حال به تقلید رومیها گناهان دیگری که هیچ ارتباطی با جعل ندارند در ردیف آن قرار داده از لحاظ اهمیت موضوع در آنوقت کیفر نسبتاً شدیدی برای فاعلین آن گناهان تعیین نموده بوده اند نکته دیگری که محتاج به تذکر است اینست که در سراسر قانون هیچ گونه تعریفی برای جعل پیش بینی نکرده بودند و دادرسان و هیئت منصفه مطابق عرف و عادت و بنا بر استنباطات شخصی جعل را تعریف میکردند.

پس از سپری شدن دوره انقلاب و ظهور ناپلئون تغییرات کلی دیگری تحت تأثیر بناپارت در حقوق کیفری فرانسه پیدا شد - ناپلئون مثل تمام نوابغ بپیمه چیز شخصاً توجه میکرد و اظهار عقیده مینمود و پس از آن که در تمام شئون کشوری و لشگری فرانسه اصلاحات اساسی نمود بقوانین پرداخت بموجب فرمان ۲۷ ژرمینال سال ۹ germinal du IX امر فرمود که کمیسیونی برای تدوین حقوق کیفری جدید فرانسه از دانشمندان

## موضوعات نوین و ابتکارات

قانون جدید کیفر همگانی

۱۰۰

«تکاملی خود را از این نظر در سالهای اخیر»

«شروع وطنی کرده اند»

مفتار جناب آقای دکتر متین دفتری

در شهریور ماه ۱۳۱۸ در مجلس شورای ملی

\*\*\*

طرح قانون کیفر همگانی جدید که از طرف وزارت

داد گستری در تابستان سال گذشته تقدیم مجلس شورای

داد در قرن بیستم بر اثر حیثیت و اعتبار»

«مخصوصی که دولت در جامعه تحصیل کرد»

«این فکر که باید حقوق جامعه در مقابل تجاوز»

«افراد بوسیله مجازات حفظ شود بیشتر قوت»

«گرفت و جرائم بر ضد مصالح عمومی رفته»

«رفته جرائم بر ضد افراد را تحت الشعاع قرار»

«داد و قوانین جزائی اکثر ملل راقیه سیر»

ملی شده بقدری دارای مباحث نوین و اضافات ضروری و ابتکارات مهمی است که هر يك از آن قسمتها شایان شرح و بحث مفصل بوده و نگارنده افتخار آنرا خواهد داشت که در اطراف اصلاحات مهمی که در قانون جدید شده در طی چند مقاله خاطر همگان را جلب نماید - در قانون جدید تغییرات و تحولات بیشماری شده و با قانون قدیم اختلافات اساسی و افتراق زیادی داراست که از نظر آشنائی همگان قبل از آنکه بمرحله عمل گذارده شود لازم است اشاراتی بآنها بشود.

روح تغییرات و تحولاتیکه در قانون جدید کيفر همگانی شده جناب آقای نخست وزیر در طی گفتار خود در موقع تقدیم قانون بمجلس شورای ملی در جلسه ۴ شهریورماه ۱۳۱۸ بیان فرمودند که بمناسبت شرح هر يك از این موضوعات نوین بگفتار ایشان اشاره خواهد شد - قبلاً لازم است بکلیاتی اشاره گردد ...

یکی از انتقاداتیکه دانشمندان فن حقوق بقوانین مدون مینمایند این است که با تغییرات و تکاملاتیکه در جامعه حاصل میشود موقعی فرا میرسد که محتویات قانون بامقتضیات وقت و پیشرفتهای حاصله موافقت نداشته و قانون بجلد از سیر تکاملی قهری و طبیعی جامعه عقب افتاده است - از این نظر است که مقنن هر کشور مترقی همواره چشم به ضروریات وقت و ترقیات موقع داشته و قانون را با آهنگ زمان حک و اصلاح و ترمیم مینماید - گرچه از عمر قانون فعلی مجازات ایران بیش از ۱۵ سال نگذشته لکن نهنت کشور ایران در تحت سرپرستی شاهنشاه معظم در این چندسال بقدری مهم بوده و آنچنان گامهای بلند در راه تکامل و ترقی طی شده که در تاریخ تمدن و پیشرفت این کشور بیش از يك قرن ارزش و اهمیت دارد.

اگر قرن بیستم در تمام دنیای متمدن و کشورهای بزرگ تحولاتی پدید آورد لکن بخصوص در کشور ما پیدایش سعادت نجات و افتخار ایران موجب شد که در

راه تکامل تندتر پیشرفته و قدمهای بلندتری برداشته شود بهمین جهت ایران باستان روز بروز جلوتر رفته و بنابر این از قوانین موضوعه و مقررات مدون دورتر میشود ضرورت قانون جدید و دستورات کلی برای کشور ما از جاهای دیگر بیشتر محسوس است - این موضوع را که مسیونهای وزارت دادگستری همواره در نظر داشته و قوانین بسیاری در عرض این چند سال آخر بدنالنهضت و پیشرفت کشور وضع و بتصویب رساندند قانون کيفر همگانی جدید در عداد اقداماتی است که در بالا بآن اشاره شد و چون در هر کشور مترقی سازمانهای اجتماعی و بنگاههای عمومی زیاد تر شده - ساختمانهای اجتماعی نوین و موضوعات بدیع پدیدار میشوند و از نظر حفظ انتظامات عمومی و تنظیم روابط افراد و احترام سلطه و اقتدار دولت و حفظ سیادت و امنیت کشور لازم است مقرراتی متناسب با این ترقیات وضع شود قانون قدیم با وجود عمر کوناهاش بشرحی که ذکر شد کافی برای این مقاصد نبوده و طرح قانون جدید تقدیم مجلس شد.

«مصلح ارتش شاهنشاهی - منافع خزانه عمومی» -

«حمایت از بنگاههای مالی و صنعتی از قبیل راه آهن»

«و بانگها و کارخانجات که در اثر نهضت اقتصادی»

«کشور بوجود آمده - انتظامات سختی که در گردش»

«کارهای عمومی ما برقرار شده - تدابیر بهداشت که»

«برای حفظ و ازدیاد نسل اتخاذ گردیده - اینها اموری»

«است که بعد از وضع قانون مجازات فعلی کسب اهمیت»

«خاصی نموده و قانون مجازات جامعتری لازم است که»

«بتواند این اساس نوین را در مقابل تجاوزات»

«بزهکاران حفظ نماید.»

یک مقایسه مختصر و سطحی بین قانون قدیم و جدید

اساس تغییرات و تحولات را نشان میدهد قانون ۱۳۰۴

که شامل ۲۸۹ ماده بود حاوی هیچگونه تعریف از جرم

و مجرم و توجه تقصیر و رابطه بین نتیجه و عمل بزهکار

نبوده یک قسمت از کلیات ضروری که دادرسان پربا سابقه

عمومی و اجتماعی داشته و اهمیت مخصوصی به جرائم بر ضد شئون و شخصیت و اعتبار دولت قائل شده و در طریقی ۵۸۴ ماده که بیش از دو برابر مواد قانون قدیم است بخش مهمی در کتاب دوم برای حفظ سلطه و اقتدارات و حاکمیت دولت در نظر گرفته شده.

قانون جدید به روشن بودن و وضوح مطالب اهمیت خاصی داده و بعد از سهولت موضوع از تذکار آن خود داری نکرده و این فکر در قانون جزا که سروکار با حیثیت و آزادی و شرافت اشخاص دارد شایان تقدیر است - در قانون جدید قبیل از شروع بشمارش انواع جرائم و مجازات آنها در ماده ۱۳ تعریف ساده و جامعی از جرم نموده ترك عملی را که قانون اجراء آن را لازم دانسته و یا ارتکاب فعلی را که قانون با ضمانت کیفر منع کرده بنام جرم معرفی نموده و انواع سه گانه آنرا شرح میدهد و همچنین بعض جرائم با وجود آنکه هر کس تا اندازه به تعریف آن آشنا است معذک قانون بمناسبت از ذکر کامل و تعریف جامع آن خود داری نکرده تا هیچ نکته در پرده ابهام نماند - بارها متهمین در پشت میز اتهام از نکوهیده بودن عمل خود اظهار عدم اطلاع نموده و یا از اجباری بودن فلان تکلیف خود را ناشناس معرفی می کنند قانون هر جرمی را قبل از تعیین کیفر تعریف می کند مثلاً ماده ۵۳۵ قانون جدید دزدی را تعریف کرده و طرق مختلف آنرا در نظر میگیرد: «دزدی عبارتست از ربودن مال منقول متعلق بغير بدون رضایت او برخلاف حق بمنظور انتفاع خود مرتکب یا شخص سوم یا بهر منظور ناروای دیگر...» ( بعلمت اهمیت این ماده بمبدأ در اطراف آن بحث خواهد شد) و در ماده ۲۳ مقرر میدارد که - عذر جهل قوانین جزائی از کسی مسموع نیست - با این کیفیت بهانه برای بزه کار نماینده و با احراز سوء نیت او کیفر حتمی خواهد بود و وسائل و ملاکی که قانون کیفر همگانی جدید برای جلوگیری از تکرار بزه و جدا کردن مجرمین از

و کار آزموده بآنها آگاه و آشنا بوده و عملاً اجرا میشود در خود قانون اثری از آن دیده نمیشد - با وجود ظاهر مدلول ماده ۱ قانون مجازات ۱۳۰۴ (که مجازاتهای مصرحه در قانون از نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر است) و چنین استنباط میشود که مقنن جزائی ایران کاملاً قانون مجازات را در عداد حقوق عمومی قرار داده و حفظ اعتبار و اهمیت دولت و کشور مدنظر مقنن بوده معذک بسیاری نواقص در همین قسمتها دیده میشود مقررات قانون جدید این رشته از حقوق را در عداد حقوق اجتماعی قرار داده که بیشتر متناسب با مقتضیات وقت و نهضت کشور است - علاوه از نظر دفاع افراد و جامعه در مقابل تکرار بزه و تربیت بزهکار مقررات کافی در قانون نبود و همچنین فردای مجازات کاملاً در نظر گرفته نشده و با خروج از زندان به بزهکار آزادی مطلق و نام داده شده و بعلمت عدم تربیت کافی بانداشتن و سائل لازم برای ادامه زندگی بیش از چند روز یا هفته در خارج نبوده و مجدداً بزندانی برگشتی کرد - اختلاط زندانیان از هر طبقه بایکدیگر و معاشرت و مصاحبه هر گونه بزهکار باهم نیز دارای معایب و مضار بسیاری بوده و علاوه عدم اجبار کار در زندان و نداشتن ذخیره و صرفه جوئی برای زندانیان صدمه بخانواده و شخص زندانی علاوه بر کیفر مقرر میرساند بالاخره پیدایش موضوعات نوین که آثار ترقی و پیشرفت کشور اند سازگار با مقررات ماده ۲ قانون مجازات نبوده و چون در موقع وضع قانون بنگاههای نوین و موضوعات کنونی در بین نبود قانون وقت نیز ساکت بوده و یکدسته بزهکاران از این سکوت اجباری قانون سوء استفاده مینمودند.

قانون کیفر همگانی جدید با توجه کامل بتمام این موضوعات با در نظر گرفتن مقررات و مواد جدیدی که در موقع خود بآنها اشاره خواهد شد در رفع این نقایص را نمود.

محتویات قانون جدید بیشتر از قانون سابق جنبه

پولی در قانون جدید موقعیت مهمتری را حائز شده و متناسبتر از قانون قدیم است - در حد اقل واکثر کیفر توسعه داده شده و اختیارات دادرسی جزائی در این موضوع بیشتر شده و یکی از اصلاحات مهم حذف شمارش موادی است که امکان تعلیق مجازات را بدادرس میداد و بالاخره يك سلسله مقررات مهم دیگر که هر يك از آنها موضوع مقاله بوده و در شماره های بعد مرتباً بنظر خوانندگان خواهد رسید.

دکتر محمد شاهکار

از یکدیگر و تشخیص بزهکار عادی در نظر گرفته یکی از ابتکارات مهم قانون جدید است و برای فردای مجازات قانون آزادی مشروط در نظر گرفته و بدین وسیله بزندانی که حسن اخلاق او دیده شده و امید اصلاح از او مشاهده میشود کلید زندان بدست خود او سپرده میشود و باین کیفیت بهتر از راه سختگیری و کیفر شدید از لغزش دوم متهم جلوگیری میشود - اقدامات تأمینی یکی دیگر از مقررات مهم قانون جدید است و مانع است که زندانی بگرتبه بمیدان آزاد و اختیار رها شده و قبل از آزمایش کافی و اطمینان از او به حال خود واگذار شود. جرائم

## کیفر

## Sanction

### ماهیت کیفر

از آنجا دارای کیفر مخصوصی است ولی این کیفر از طرف قدرت عمومی که حکومت است تصدیق نشده است. این خود بدیهی است که برای تمام قوانین اعم از وضعیه و طبیعی کیفری مقرر است؛ ولی سخن در اینجا است که در قوانین موضوعه کیفر در سایه قدرتی است که از طرف حکومت سیاسی اعلام میگردد؛ باین معنی که هر گاه بطیب نفس و اختیار متابعت از قوانین نکردند بواسطه اعمال قدرت مردم را به اطاعت از قوانین مجبور مینماید پس حکومت سیاسی که در مقام وضع قوانین است؛ نه فقط بجعل و قرار داد يك سلسله فرائض و واجباتی قناعت مینماید؛ بلکه يك واجباتی را اعلام میدارد که در اثر کیفر دارای جنبه الزام است. فلسفه اش این است که قوانین برای حفظ نظام و آرامش هیئت اجتماعی وضع گردیده است و بر روی این اصل اطاعت از آنها يك واجب اجتماعی است که تمام افراد يك جامعه

قانون دارای کیفری است که در سایه قوه عمومی مجری می گردد؛ و بر روی همین خصیصه با قواعد خانوادگی و آداب ملی دارای اختلاف است؛ برای آنکه عموماً آداب و رسوم خانواده ها اگر چه دارای اوامر و نواهی میباشد؛ ولی مخالفت از آنها کیفر وضعی ندارد و بر روی همین کیفر است که قانون وضعی با قانون الهی نیز اختلاف پیدا مینماید؛ برای آنکه قوانین الهی کیفر آنها در سایه قدرت حکومت شرعی تأمین خواهد شد؛ و این قسمت در صورتی محرز است که حکومت عمومی بشر آن قدرت شرعی را در يك امتی برسمیت بشناسد و بر روی همین کیفر است که قوانین موضوعه با اوامر بیکه در بین طبقات بشر در جریان است نیز اختلاف دارد؛ مانند اوامر بیکه پدر نسبت بفرزند صادر مینماید؛ این اوامر اگر چه تخلف